



پژوهشکده شورای نگهبان

مشرح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه (عصر) مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۳۷

تاریخ: ۱۳۹۷/۹/۱۶



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

مشروح مذاکرات شورای نگهبان
جلسه (عصر) مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان

ویراستار و مستندساز: محمد حسن باقری

بازبین:

عباس حسن خانی

ناظر علمی:

کاظم گوهری اصفهانی

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۳۷

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۹/۱۶

پژوهشکده شورای نگهبان



جلسه عصر مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان

فهرست مطالب

۲مقدمه
	طرح اصلاح بند (۳) ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در
۳ دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای آحاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

طرح اصلاح بند (۳) ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی

آقای عزیزاده- بسم الله الرحمن الرحيم. دستور جلسه، بررسی «طرح اصلاح بند (۳) ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی»^(۱) است. متن طرح را [در جلسه‌ی صبح] یک بار خواندیم. آقای دکتر ره پیک، مطلبی که به ذهن جناب عالی رسیده است چیست؟ آن را بفرمایید.

آقای رهپیک- مطلب راجع به اصل مسئله یعنی بند (۳) و تبصره‌های مصوبه است.^(۲) نتیجه‌ی این مصوبه این است که پایین‌ترین دانشجویان از جهت سطح علمی جذب

۱. طرح دوفوریتی اصلاح بند (۳) ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۶۷/۴۲۳۰۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۳ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۹۲۰ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. «ماده واحده- بند (۳) ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۹ و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۳- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است سی درصد (۳۰٪) از رودی‌های رشته‌های پزشکی عمومی، دستیاری تخصصی پزشکی و سایر رشته‌های گروه پزشکی را از طریق جذب دانشجوی بومی با اولویت مناطق محروم و متناسب با نیاز استان‌ها و در چهارچوب نظام سطح‌بندی پذیرش نماید.

تبصره ۱- تعهد اخذ شده از مشمولان این بند برای خدمت در مناطق مورد تعهد، سه‌برابر مدت تحصیل است و قابل خرید و جابه‌جایی نمی‌باشد.

تبصره ۲- ارائه مدرک تحصیلی مشمولان مذکور بعد از اتمام تعهد مورد نظر، مجاز می‌باشد و نامبردگان در زمان تعهد، مجاز به فعالیت پزشکی در سایر نقاط کشور نمی‌باشند.

تبصره ۳- تحصیل دانشجویان بومی موضوع این بند در دانشگاه‌های استان مربوطه در اولویت می‌باشد. در صورتی که داوطلب مذکور نمره لازم برای تحصیل در دانشگاه‌های دیگر را کسب کرده باشد، تحصیل او برابر مقررات این بند منوط به موافقت وی خواهد بود.

تبصره ۴- ادامه تحصیل در مقاطع آموزشی بالاتر، پس از طی حداقل نیمی از مدت زمان تعهد مشمولان این بند امکان‌پذیر می‌باشد.

تبصره ۵- نقل و انتقال مشمولان این بند تابع مقررات این قانون می‌باشد.»

مناطق محروم می‌شوند؛ یعنی هم از جهت رتبه و نظام سطح‌بندی می‌خواهند پایین‌ترین دانشجو را بگیرند و هم به جهت اینکه [مطابق این مصوبه] تعهد دانشجویان رشته پزشکی حدود سی سال می‌شود، غیر از دانشجویان ضعیف که حاضرند چنین تعهدی را بسپارند، کسی [از دانشجویان نخبه] حاضر نمی‌شود وارد این طرح بشود [و چنین تعهد سنگینی را بسپارد]. خب، این واقعاً خلاف توزیع عادلانه‌ی امکانات است؛ یعنی الآن در رشته‌ی پزشکی، پول دولت هزینه می‌شود و دانشجوی پزشکی تربیت می‌شود، ولی او آزاد است که هر جا خواست برود! [مجلس] باید برای این دانشجویان قید بزند، کما اینکه قبلاً هم این‌طور بود و هر کس می‌خواست در رشته‌ی پزشکی تحصیل کند، می‌بایست پنج سال به طرح می‌رفت.

آقای مدرسی‌یزدی- الآن هم همین‌طور است.

آقای ره‌پیک- نه، الآن دیگر این‌طور اجرا نمی‌شود؛ عملاً اجرا نمی‌شود. ما خبر داریم. من الآن از آمار فارغ‌التحصیلان رشته‌ی پزشکی اطلاع دقیق ندارم، ولی اجمالاً می‌دانم اگر این فارغ‌التحصیلان در کشور درست توزیع بشوند، کشور با کمبود پزشک مواجه نمی‌شود. ولی وقتی [با منطقه‌بندی] دانشجویان پزشکی را در نظام سطح‌بندی می‌بریم، [مشکلات آغاز می‌شود]. مثلاً فرض کنید کسی که در منطقه‌ی سه یا چهار رتبه‌اش هفتصد شده، رتبه‌ی کشوری‌اش سی هزار بوده است؛ یعنی در واقع رتبه‌اش سی هزار است ولی آن را برایش هفتصد حساب می‌کنند. این‌طوری که حساب می‌کنند، [او در رشته‌ی پزشکی قبول شده و] وارد دانشگاه می‌شود. وقتی هم که به دانشگاه وارد شد، خب، [با مصوباتی شبیه به مصوبه‌ی کنونی] دانشجویان را طوری تشویق می‌کنیم که هر چه دانشجوی [واجد سطح علمی] پایین است به مناطق محروم -که اتفاقاً باید توسعه و پیشرفت پیدا کند- برود؛ چون کسی [شرایط این مصوبه را] قبول نمی‌کند که دوره‌ی تعهد و تحصیلش، سی سال طول بکشد و بعد از سی سال هم تازه مدرکش را به او بدهند.

آقای علیزاده- تازه اگر دانشجویی کمی رتبه‌اش هم بالاتر باشد به مناطق محروم نمی‌رود.

آقای ره‌پیک- بله، [دانشجویان با سطح علمی خوب، به مناطق محروم] نمی‌روند.

آقای علیزاده- دانشجویی که سطح علمی‌اش پایین است، می‌گوید من اجباراً برای اینکه این رشته را بخوانم، به مناطق محروم می‌روم!

آقای رهپیک - [معنای این مصوبه این است که] یعنی دانشجوی سطح پایین را در مناطق محروم می‌گذارند. حالا من به شوخی عرض کردم که این کار، توسعه‌ی محرومیت در مناطق محروم است! خوب، [به جای این مصوبه، برای توسعه‌ی مناطق محروم] از امکانات دیگر استفاده کنند. واقعاً اینکه دانشجوی سطح پایین فقط در مناطق محروم خدمت کند، توزیع عادلانه نیست. [بر این اساس،] شاید بشود به این مصوبه چنین اشکالی گرفت. امکانات دولت باید [در همه‌جای کشور] توزیع بشود و کسانی که از مناطق محروم هستند در قسمت‌های دیگر کشور هم توزیع بشوند؛ همچنین کسانی که از مناطق برخوردار هستند را هم به مناطق محروم بفرستند. باید دانشجویان خوب و سطح بالا را به مناطق محروم بفرستند. نکته‌ی دوم اینکه بالاخره تعهد هم اندازه‌ای دارد؛ یعنی نمی‌شود بگوییم طبق قانون و قرارداد [هر قراردادی صحیح است]!

آقای مدرسی یزدی - بله، نمی‌شود با جعل قانون، به مردم ظلم کرد.

آقای رهپیک - خوب، اینکه طبق قرارداد به دانشجویی بگوییم متوسط عمر تو مثلاً پنجاه سال است که سی سال آن را تعهد خدمت داری، درست نیست.

آقای علیزاده - بله دیگر، دانشجویان گروه پزشکی حدود هفت سال در دانشگاه مشغول تحصیل هستند و [طبق این مصوبه]، به اندازه‌ی سه برابر آن؛ یعنی بیست و یک سال هم که تعهد خدمت دارند؛ این یعنی [تحصیل و خدمت آنها] حداقل بیست و هشت سال طول می‌کشد! اصلاً اینها واقعاً تمام عمر خدمتشان را باید آنجا [در مناطق محروم] باشند.

آقای رهپیک - بله، سه برابر مدت تحصیلشان، تعهد خدمت دارند. خوب، این طور که نمی‌شود؛ بالاخره محدودیت آزادی هم یک حدی دارد. این واقعاً سلب آزادی است. حالا [حداکثر] دو برابر [مدت تحصیل، از آنها تعهد خدمت] بگیرند.

آقای مدرسی یزدی - این ناعادلانه است.

آقای رهپیک - ناعادلانه است؛ [باید حداکثر] یک یا دو برابر مدت تحصیل از آنها تعهد خدمت بگیرند. علاوه بر این، تبصره (۲) مصوبه هم بیان می‌کند: «ارائه مدرک تحصیلی مشمولان مذکور بعد از اتمام تعهد مورد نظر، مجاز می‌باشد.» این یعنی ارائه‌ی مدرک تحصیلی به این افراد، بعد از گذشت سی سال انجام می‌گیرد!

ادامه‌ی تبصره هم می‌گوید: نامبردگان در زمان تعهد، یعنی در همین سی سال، مجاز به فعالیت پزشکی در سایر نقاط کشور نمی‌باشند. خوب، واقعاً این هم محدودیت است.

حالا اگر کسی در منطقه‌ی محروم مشغول انجام تعهداتش است، انجام این تعهدات که شبانه‌روزی نیست، بلکه یک ساعتی [از شبانه‌روز] را به او می‌گویند که مثلاً به فلان بیمارستان برو؛ مثل کسانی که در بیمارستان‌ها کارمند هستند و موظفند به شکل شیفتی کار کنند و ساعتی را در اختیار خودشان هستند. حالا اگر دانشجویان گروه پزشکی در زمان تعهد؛ یعنی در این بیست و یک سال، مجاز به خدمت در هیچ جای دیگری نباشند، در اینجا دیگر آزادی معنی ندارد؛ توافق معنی ندارد. [نسبت به این مصوبه]، این دو سه تا اشکال به نظر من رسید. دو اشکال عمده، یکی اینکه مفاد این مصوبه واقعاً توزیع عادلانه‌ی امکانات نیست و مناطق محروم را محروم‌تر می‌کند؛ چون دانشجویان واجد سطح علمی پایین را به مناطق محروم می‌فرستد و دیگر اینکه این مصوبه حدود آزادی و اختیار را به شدت محدود کرده است؛ یعنی آیا قانون‌گذار می‌تواند تا این اندازه برای افراد محدودیت ایجاد کند؟!

آقای جنتی- آقای عزیزاده، نظر شما چیست؟

آقای عزیزاده- اشکال آقایان و این مطلبی که جناب آقای دکتر ره‌پیک فرمودند مطالب قابل قبولی است؛ منتها [نکته‌ای که وجود دارد این است که] ما باید این مطالب را با قانون اساسی منطبق کنیم [و با اصل یا اصولی از قانون اساسی، مغایر اعلام کنیم]. مسئله‌ای که واقعاً وجود دارد این است که ما در حالی که الآن تحصیل‌کرده‌ی پزشکی کم نداریم، مجلس به جای اینکه از این همه امکاناتی که داریم استفاده کند، دوباره می‌خواهد این همه برای افرادی خرج کند که واقعاً در اغلبشان هم استعداد پزشکی وجود ندارد. با این وضع سطح‌بندی می‌خواهند دانشجویان خیلی سطح پایین را به مناطق محروم بفرستند. بعضی از رشته‌های تحصیلی طوری است که بهترین‌های هر [گروه درسی] آنها را انتخاب می‌کنند: بهترین‌های علوم تجربی، رشته‌ی پزشکی را انتخاب می‌کنند و بهترین‌های علوم انسانی، رشته‌ی حقوق و بهترین‌های ریاضی، رشته‌ی مهندسی را [برای ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه انتخاب می‌کنند]. این‌طور نیست که هر کس از هر جا [و با هر استعدادی] به هر رشته‌ای برود. به نظر من اینکه دانشجویان سطح پایین در مناطق محروم مشغول بشوند، واقعاً برای مملکت، برای وضعیت بهداشت و درمان و برای مردم مناطق محروم یک چیز بسیار مضر و بدی است.

آقای رهپیک- احسنت! هم سطح بندی و هم این نحو سهمیه اختصاص دادن به مناطق محروم ...

آقای مدرسی یزدی- من فکر می‌کنم با توجه به بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی که می‌گوید: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی»، امکاناتی که این مصوبه برای افراد محروم ایجاد می‌کند، عادلانه نیست. این مصوبه می‌گوید دانشجوی پزشکی باید سه برابر هفت سال تحصیلش؛ یعنی مدت بیست و یک سال متعهد به خدمت [در مناطق محروم] کنید. آخر این چه امکانات عادلانه‌ای است؟! این دانشجوی تعهد داده، چه خطایی کرده [که باید با او این‌طور برخورد شود]؟! این واقعاً درست نیست.

آقای علیزاده- بله، ایجاد [این امکانات]، عادلانه نیست؛ نگهداری این دانشجویان برای انجام تعهد هم عادلانه نیست.

آقای مدرسی یزدی- به قول شما [= آقای علیزاده]، با توضیحاتی که [توسط آقای دکتر رهپیک] داده شد، به نوعی ایجادش عادلانه نیست. حالا من حدس می‌زنم که سطح بندی دانشجویان پزشکی همین‌طور باشد که فرمودند، ولی اطلاع دقیق ندارم. حالا اگر ایشان [= دکتر رهپیک] اطلاع دقیق داشته باشند یا [اگر اطلاع دقیق ندارند]، می‌توان در این باره از کسی که کارشناس مسائل مربوط به کنکور و پذیرش دانشجویان پزشکی است، سؤال کنیم.

آقای علیزاده- ایشان [= آقای رهپیک] خودش رئیس دانشگاه است.

آقای مدرسی یزدی- خب، می‌دانم ایشان رئیس دانشگاه است، ولی ایشان با مسائل پزشکی که سر و کار ندارند. به هر حال اگر کسی نسبت به این ایراد، دفاعی نداشته باشند، [نظر من هم] همین است. این یک ایراد مصوبه است که- به قول شما- ایجاد زمینه‌ی تحصیل در گروه‌های پزشکی به این شکل ناعادلانه است و [با بند (۹) اصل سوم قانون اساسی مغایرت دارد]؛ مخصوصاً با آن تأکیدی که [بند (۹) اصل سوم قانون اساسی] بر ایجاد امکانات عادلانه در تمام زمینه‌های معنوی و مادی دارد.

از سوی دیگر، بند (۱۰) اصل سوم قانون اساسی هم می‌گوید: «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور» [از وظایف دولت اسلامی است]. خب، این مصوبه به ایجاد نظام اداری مربوط می‌شود؛ چون اینکه استخدام [این دانشجویان در

آینده] چگونه باید باشد، به نوعی مربوط به نظام اداری است. این مصوبه از این نظر هم واقعاً صحیح نیست. این شیوه‌ی پذیرش دانشجو شیوه‌ی غلطی است. باز بند (۱۴) اصل سوم قانون اساسی هم گفته است: «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون»؛ شاید بتوانیم بگوییم در این مصوبه حقوق همه‌جانبه‌ی افراد هم رعایت نشده است. بند (۵) اصل (۴۳) قانون اساسی هم می‌گوید: «منع اضرار به غیر»؛ شاید بتوان گفت - هر چند اثبات این حرف خیلی مشکل است - این مصوبه مغایر این بند هم هست، ولی عمده همان است که گفتیم. بنده واقعاً به این موضوع رأی می‌دهم که طبق بندهای (۹) و (۱۰) اصل سوم قانون اساسی، مفاد این مصوبه درست نیست.

آقای رهپیک - حالا ما واقعاً در مقام پیشنهاد دادن [به مجلس برای اصلاح مفاد مصوبه] نیستیم، ولی خب برای ایجاد نظام اداری صحیح، مجلس می‌توانست به جای این مصوبه، طوری مقرر کند که دانشجویان خوب پزشکی [برای کار در مناطق محروم] بیابند؛ یعنی طبق روال، [برای تشویق به خدمت آنها در مناطق محروم] یک امتیازاتی در نظر می‌گرفت. **آقای عزیزاده -** بله، یک امتیازاتی در نظر گرفت تا آنها بروند در مناطق محروم بمانند. **آقای مدرسی‌یزدی -** بله، البته میزان تعهد خدمتشان را هم باید کم می‌کردند و مثلاً سه یا پنج سال در نظر می‌گرفتند.

آقای رهپیک - این طور عادلانه می‌شود؛ یعنی اگر به این نحو مقرر می‌شد هم به مناطق محروم رسیدگی می‌شد و پزشک خوب به آنجا فرستاده می‌شد، هم بین مناطق برخوردار و غیربرخوردار توازن برقرار می‌شد. و الا الآن طبق این مصوبه، چون دانشجویان با استعداد به مناطق محروم نمی‌روند و دانشجویان ضعیف به آنجا اعزام می‌شوند، این مناطق همچنان محروم باقی می‌مانند.

آقای شب‌زنده‌دار - من یک سؤالی دارم؛ همین طور که شما می‌فرمایید ممکن است برخی دانشجویایی که ورودی رشته‌های پزشکی عمومی هستند ابتدائاً [از نظر درسی] ضعیف باشند، ولی بالاخره بعد از اینکه وارد دانشگاه شدند طبق یک نظام آموزشی تحصیل می‌کنند و طبق ضوابطی که در دانشگاه هست، قبول می‌شوند و [فارغ‌التحصیل می‌شوند]. بر طبق این ضوابط، تا آنها نمره‌ی حداقلی را نیاورند که در نظام پزشکی قبول نمی‌شوند. اگر واقعاً چنین باشد که دانشجو در امتحانات، در گرفتن کارنامه‌ی قبولی و اینکه یک

پزشک عمومی بشود یا اگر می‌خواهد تخصص بگیرد، حداقل کف نمرات را داشته باشد، پس همین دانشجویان هم می‌توانند در مناطق محرومی که هیچ پزشکی ندارند انجام وظیفه کنند. بنابراین ما نمی‌توانیم بگوییم نتیجه‌ی ورود دانشجویان ضعیف به رشته‌های پزشکی الزاماً پزشکان ضعیفی خواهند بود؛ چون همین دانشجویان ضعیف هم واقعاً پزشک می‌شوند دیگر. بالاخره دانشجویان پزشکی هم بعد از اینکه وارد دانشگاه شدند، طبق یک نظامی تحصیل می‌کنند ولو اینکه ممکن است در بدو ورود ضعیف باشند. همین‌طوری که نمی‌شود [به دانشجویان پزشکی] گفت که اینها همه پزشکانند، بلکه پزشکان از نظر علمی باید یک رتبه‌ای را کسب کنند.

آقای علیزاده- با این حال الآن ما آمده‌ایم به دانشگاه‌های علوم پزشکی که در شهرستان‌ها داریم می‌گوییم که شما رعایت مقررات را نکن و به این طریق دانشجو بگیر؛ بند (۳) ماده واحده معنایش این است.

آقای مدرسی‌یزدی- البته این مطلب که حاج‌آقای شب‌زنده‌دار فرمودند [که در دانشگاه تا وقتی که دانشجو نمره‌ی حداقلی را نیاورد، نمی‌تواند دروس را بگذراند و فارغ‌التحصیل شود]، در مورد دانشجویان پزشکی تا حدودی صحیح است؛ چون در رشته‌ی پزشکی یک مقداری چفت و بستش محکم‌تر است. چون چند نفر از نزدیکان ما در رشته پزشکی تحصیل می‌کنند، من اطلاع دارم که قبول‌شدن و گذراندن واحدها در رشته‌ی پزشکی سخت است و چفت و بستش محکم‌تر از دیگر رشته‌ها است و به طور کلی شاکله‌ی تحصیل و فارغ‌التحصیلی در این رشته نسبتاً خوب است. البته آنجا هم خیلی بدجنسی‌ها می‌شود؛ در بعضی مواقع سؤالات آزمون‌ها به فروش می‌رسد و... که اینها بیشتر به ضعف‌های اجرایی کار مربوط می‌شود. با این حال، اصولاً وقتی که به این شکل [که در این مصوبه آمده] دانشجو پذیرش کردند، چاره‌ای ندارند که سطح کل دانشگاه را پایین بیاورند. [در این وضعیت] سطح دانشگاه را نمی‌توانند بالا نگه دارند. به قول ایشان وقتی که یک نفری که رتبه عمومی آن ۳۰/۰۰۰ یا حتی ۲۰/۰۰۰ باشد، خب ۲۰/۰۰۰ رتبه خوبی برای تحصیل در رشته پزشکی نیست، با این وضع دانشگاه علوم پزشکی هم مجبور است سطح نمرات، تعلیم و تحصیل را پایین بیاورد. لامحاله این می‌شود. آنچه که به طور قطع مغایر با اصول قانون اساسی است، همان تعهد سه برابر مدت تحصیل این دانشجویان است. به هر حال آن دانشجو یا قابلیت

دارد یا ندارد؛ اگر قابلیت نداشته باشد و در آن دانشگاه علوم پزشکی پذیرش شود دو تا اشکال دارد، اگر هم قابلیت داشته باشد این اشکال را دارد. بنابراین قطعاً این توزیع امکانات عادلانه نیست. حداقل بند (۳) ماده واحده مغایر اصل ۳ قانون اساسی است.

آقای عزیززاده- تبصره (۱) بند (۳) ماده واحده می‌گوید دانشجویانی که پذیرش می‌شوند باید بیش از بیست سال از عمرشان را در مناطق محروم بمانند. [در این وضعیت] کسی که می‌خواهد برود آن دانشگاه، تمام اینها را مدنظر قرار می‌دهد. این یعنی کسانی که در آن سطح‌اند، تازه کسانی از آنها وارد دانشگاه می‌شوند که حاضر باشند به آن مناطق محروم بروند و پذیرفته باشند که آن مدت زیاد را هم در آنجا خدمت کنند.

آقای مدرسی‌یزدی- تحمل کنند.

آقای شب‌زنده‌دار- بالاخره آن دانشجوی، به اختیار خودش این [تعهدات] را انتخاب می‌کند.
آقای مدرسی‌یزدی- طبق قانون اساسی این [مصوبه، متضمن] توزیع عادلانه‌ی امکانات نیست.

آقای شب‌زنده‌دار- خلاف شرع که نیست؛ خود دانشجوی مختار است و [با اختیار] تعهد می‌دهد. چون با اختیار خودش تعهد می‌دهد، خلاف عدل نیست.

آقای مدرسی‌یزدی- چرا، [چنین تعهدی] عادلانه نیست.

آقای عزیززاده- چنین شخصی در هیچ رشته‌ای و در هیچ‌جا قبول نمی‌شود که [مجبور می‌شود چنین تعهدی را بپذیرد و برای خدمت] به مناطق محروم برود، بعد هم تعهد بدهد که حداقل ۲۱ سال در این منطقه محروم بماند!

آقای شب‌زنده‌دار- اما [به هر حال، چنین دانشجویی] از روی اختیار تعهد می‌دهد؛ اولش محاسبه می‌کند و تعهد می‌دهد. این چه خلاف عدلی است؟!

آقای عزیززاده- ما به تعهد اختیاری او ایراد نداریم. ما به سطح علمی‌اش ایراد می‌گیریم. می‌گوییم یک آدم باسواد با اختیار [چنین تعهدی نمی‌دهد و] آنجا نمی‌رود. این بند (۳) ماده واحده باعث می‌شود که اشخاصی با آن سطح علمی‌ کزایی، اجباراً بپذیرد که چنین تعهدی بدهد. یعنی [چنین شخصی در محاسباتش با خود] می‌گوید که من [از لحاظ علمی] در سطحی هستم که هزار سال دیگر هم نمی‌توانم [به صورت عادی در رشته پزشکی قبول شوم، مگر اینکه با سهمیه‌ی مناطق محروم پذیرفته شوم و چنین تعهدی بدهم].

آقای شبزنده‌دار - قانون را باید محاسبه کنند. حالا در عمل بعضی خطا می‌کنند، مثل بامدادی است که ردا می‌گیرند.

آقای مدرسی‌یزدی - آن درست است، ولی من می‌خواهم یک چیز عرض بکنم. ببینید آقای شبزنده‌دار، این قانون اساسی به قانون‌گذار دستور می‌دهد و می‌گوید تو امکانات عادلانه را برای همه فراهم کن. این «امکانات عادلانه برای همه فراهم کردن»، معنایش این است که اگر دانشجویی در این وادی آمد، شما از اول امکاناتی را که دادی عادلانه باشد. وقتی که محاسبه می‌کنیم، می‌بینیم که واقعاً بند (۳) ماده واحده، فراهم کردن امکانات عادلانه برای همه نیست.

آقای شبزنده‌دار - خوب بله، [در سطح اجرایی] باید به مدیرهای درستکار مسئولیت بدهند تا [قانون را] درست عمل کنند، و الا قانون که مشکلی ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، در اینجا اساساً قانون ایراد دارد؛ این قانونش از اول یک قانونی است که فقط کسی که بیچاره است [و جز به این وسیله، امکان قبولی در رشته‌ی پزشکی ندارد، این تعهدات را می‌پذیرد و] به این مناطق محروم می‌رود؛ هفت سال باید در این مناطق تحصیل کند و بعد هم به اندازه سه‌برابر مدت تحصیلش تعهد به خدمت بدهد. چه کسی [در شرایط عادی] چنین تعهدی را می‌پذیرد؟

آقای شبزنده‌دار - ما در حوزه علمیه، خودمان دیده‌ایم. تجربه‌ای که من خودم در این زمینه دارم این است که بعضی‌ها بودند که واقعاً استعداد فوق‌العاده‌ای داشتند، اما اینها به جایی نرسیدند؛ به خاطر اینکه همان استعداد زیاد، مانعی برای پیشرفتشان شده بود. اما [در مقابل]، عده‌ای هم [از لحاظ استعداد] متوسط یا حتی ضعیف بودند ولی اهل کار بودند. در همین مدرسه حقانی - در زمان مسئولیت آقای قدوسی که ما هم در آنجا تحصیل می‌کردیم - یک کسی بود که هم‌زمان با ما وارد این مدرسه شد. این شخص با اینکه در امتحان ورودی اصلاً عملیات ابتدایی ریاضی یعنی جمع و تفریق هم بلد نبود، به قدری سعی و تلاش کرد که توانایی محاسبات ریاضی‌اش به حدی رسید که مسائل را همین جور ذهنی محاسبه می‌کرد و جواب می‌داد. ما در آن سال‌ها آن فرد را دیدیم [که با استعدادی ضعیف، چنان پیشرفتی کرد]، ولی کسانی هم بودند که واقعاً استعداد قوی داشتند، اما به دلیل اینکه اهل کار و تلاش نبودند به جایی نرسیدند. حالا واقعاً می‌خواهم بگویم ممکن است شخصی در دوران دبیرستان سعی و

تلاشی که باید انجام می‌داده است را انجام نداده، ولی الان که در دانشگاه قبول می‌شود کمبودهای خودش را جبران می‌کند.

آقای عزیزاده- چنین شخصی، ۱۲ سال [در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان] درسش را نخوانده است، حالا می‌خواهد برود در رشته‌ی پزشکی تحصیل کند و گذشته‌ها را جبران کند؟!

آقای شب‌زنده‌دار- اینها در دوران دبیرستان ضعیف بوده‌اند، ولی حالا در دانشگاه درست عمل می‌کند.

آقای عزیزاده- این شخص ۱۲ سال درس نخوانده است، حالا می‌خواهد برود پزشکی بخواند؟ او که نمی‌رود از اول [درس‌های نخوانده را] بخواند.

آقای شب‌زنده‌دار- نخوانده یعنی چه؟ فرض این است که در دانشگاه، از دانشجویان امتحان می‌گیرند و نمره می‌دهند [و دانشجویان با گذر از مراحل سنجشی، فارغ‌التحصیل می‌شوند]. همین جوری که به دانشجو نمره‌ی قبولی نمی‌دهند.

آقای ره‌پیک- حالا بالأخره هر معیاری سر جای خودش [باید ملاک قرار گیرد]؛ آزمون ورودی به دانشگاه یک معیار است، تلاش [دانشجو در طی دوران تحصیل] هم یک معیار [جداگانه‌ای است]. بالأخره به طور کلی نمی‌شود گفت که تلاش فردی جای آن استعداد شخصی را می‌گیرد.

آقای شب‌زنده‌دار- ممکن است این شخص نتواند دکتر متخصص یا فوق تخصص بشود، ولی دکتر عمومی که می‌تواند بشود.

آقای ره‌پیک- بله، ممکن است [در میان چنین داوطلبانی، یک نفر هم در این میان] استثنا باشد [و بتواند مدارج علمی پزشکی را به خوبی طی کند]، ولی روال باید اصولی باشد.

آقای ابراهیمیان- در جلسه‌ای که راجع به کلیات همین طرح [در مجلس] بحث می‌کردند، حقیر به مجلس رفتم. در آنجا بعضی از نمایندگان به همین مطلب اشاره کردند که اگر همین امکانات موجود، عادلانه تقسیم شود این مشکل [کمبود پزشک در مناطق محروم] حل می‌شود و از این راه [= مفاد مصوبه‌ی کنونی]، نمی‌توان این قضیه را حل کرد؛ چون این راه مشکلات دیگری را پدید می‌آورد. منتها من عرضم این است که کار ما در شورای نگهبان برای استناد به قانون اساسی، خیلی کار ظریفی است؛ چون یک سنگ بنایی که بگذاریم تا آخر باید به همین منوال پیش برویم. [به قول

معروف] می‌گویند «الف» را نگو، چون اگر بگویی تا آخرش باید بروی. بنابراین در شورای نگهبان، در خصوص این مصوبه و امثال این مصوبه باید با دقت نظر بدهیم.

زمانی در دادگاه‌های اروپایی، بحثی مربوط به حق مالکیت مطرح شد. در آنجا گفتند که بی‌تردید مالکیت خصوصی افراد محترم است. بعد گفتند اما همیشه یک استثنایی وجود دارد - که این استثنا در قانون ما هم هست- [بدین صورت که] مالکیت خصوصی محترم است، مگر اینکه قانون یا مصالح و منافع عمومی آن را محدود کند! آمدند و یک سری مفاهیم کِش‌دار مثل مصالح و منافع عمومی را بهانه قرار دادند و گفتند که مثلاً در اینجا مصالح عمومی اجازه می‌دهد که شما بیایید و سلب مالکیت خصوصی از افراد بکنید! حالا ممکن است چنانچه سلب مالکیت از افراد، با دادن عوَض مناسب به آنها باشد، بتوان آن را پذیرفت و تحمل کرد؛ چون به هر حال در این موارد به حق مالکیت احترام گذاشته شده و یک عوَض مناسبی داده شده است. به هر حال، در اینجا در بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی گفته: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» از جمله وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است. در این اصل گفته شده است که تبعیضات ناروا نباید باشد؛ یعنی در برخی موارد، تبعیض [روا] و یا بهتر است بگوییم وجود «تفاوت» پذیرفته شده و قابل توجیه است. همین سهمیه‌بندی که الآن در مورد مناطق وجود دارد؛ برای اینکه همه‌ی مناطق ایران از امکانات آموزشی استفاده کنند، شاید بتوانیم بگوییم که اختصاص ۱۰٪ سهمیه به مناطق محروم، پذیرفتنی است و چنین تبعیضی قابل توجیه است، اما اگر این سهمیه ۸۰٪، ۷۰٪ یا ۵۰٪ شد، دیگر این تبعیض واقعاً روا و مناسب نیست. در این بحثی که ما الآن داریم، در واقع سه جور مسئله داریم: یکی این مطلبی بود که حاج‌آقا اشاره فرمودند که ببینیم آیا این امکانات عادلانه ناظر به خود داوطلبان پزشکی رعایت شده است یا نه؟ این یک بحثی است که باید ببینیم در اینجا واقعاً می‌توانیم روی این مسئله مانور بدهیم یا نه؟ دومین مطلب - که برخی از دوستان اشاره کردند و من هم به نظرم رسید- اینکه آیا این مصوبه، ایجاد امکانات عادلانه برای خود مناطق محروم می‌کند یا نه؟ آیا نتیجه‌ی چنین مصوبه‌ای - به فرمایش آقای دکتر [زه‌پیک] که درست هم فرمودند- توسعه محرومیت نیست؟ لذا در اینجا از این منظر هم می‌شود به بحث «امکانات عادلانه» توجه کرد. [سومین مطلب

اینکه] به نظرم در اینجا می‌توانیم روی بحث تبعیض هم مانور بدهیم؛ بدین صورت که در اینجا گفته از «طریق جذب دانشجوی بومی»؛ ما باید به مجلس بگوییم شما اگر منظورتان از این مصوبه این است که به مناطق محروم رسیدگی کنید، چرا بین یک دانشجوی غیربومی که حاضر است در منطقه محروم خدمت کند و دانشجوی بومی، قائل به تفاوت می‌شوید؟ مثلاً من نفر ۱۰/۰۰۰ کنکور شده‌ام، اهل تهران هم هستم، اما حاضرم بروم پزشک فلان منطقه‌ی محروم کشور بشوم و به این خدمت، افتخار هم بکنم. خوب، چرا شما باید اینجا برای افراد بومی اولویت قائل شوید؟ در اینجا اولویت قائل شدن، توجیهی ندارد و این مورد از موارد تبعیض روا نیست و قابل توجیه نیست. بنابراین به نظر من، اولاً درصد اختصاص داده شده به این سهمیه، به نحوی است که تبعیض و تفاوت را قابل توجیه نمی‌کند؛ یعنی [در این مصوبه، اختصاص سهمیه به میزان] ۳۰٪ زیاد است؛ ثانیاً [در استفاده از این سهمیه]، تفاوت گذاشتن بین دانشجوی بومی و دانشجوی غیربومی‌ای که شرایط مربوط به خدمت در مناطق محروم را می‌پذیرد هم قابل توجیه نیست و یک جور تفاوت نارواست.

آقای مدرسی‌یزدی- دانشجوی بومی را هم تعریف نکرده‌اند که منظور، چه کسی است. از این حیث هم می‌توانیم به این مصوبه، ابهام بگیریم و بگوییم منظورتان از «دانشجوی بومی» چیست؟

آقای علیزاده- الآن در همین دبیرستان‌هایی که در تهران وجود دارد، چرا هیچ دبیرستان خوبی، یک دانش‌آموز سطح پایین را قبول نمی‌کند؟

آقای مدرسی‌یزدی- بله.

آقای علیزاده- چون می‌گوید این دانش‌آموز ضعیف وقتی داخل این مدرسه می‌آید، نمی‌تواند خودش را با دانش‌آموزهای خوب به صورت هماهنگ پیش ببرد. [در اینجا هم همین طور است] با این ماده واحد، یعنی ۳۰٪ از دانشجویانی که [از لحاظ تحصیلی و علمی] در سطح پایینی هستند، با ۷۰٪ از دانشجویانی که در سطح بالا هستند، در کنار هم در دانشگاه پذیرش شوند. [با این وضعیت] اصلاً دانشجویان سطح پایین، قابلیت همراهی با دانشجویان سطح بالا را ندارند و نمی‌توانند [از لحاظ علمی با هم هماهنگ شوند]؛ اصلاً وقتی اینها را می‌بینند خودشان را گم می‌کنند. همیشه باید یک هماهنگی در کلاس، [از لحاظ سطح علمی] بین این دانشجویان با هم باشد؛ مثل اینکه من را ببرند و بخواهند با چند تا جوان رشید، [در کنار هم]

آموزش نظامی بدهند! خب من نمی‌توانم با آنها همراهی بکنم. واقعاً اینها شدنی نیست. واقعش این است که این ماده واحده ایرادش خیلی زیاد است. من اول خودم معتقد بودم که این مصوبه ایراد ندارد، ولی وقتی یک مقدار در جلسه راجع به آن بحث شد و بیشتر دقت کردم، دیدم واقعاً این مصوبه ایراد دارد.

آقای ره‌پیک - اسم این قانون، قانون برقراری عدالت آموزشی است؛ خب چنین مصوبه‌ای، [مطابق با] عدالت نیست.

آقای عزیزاده - بله، نیست.

آقای جنتی - ما در اینجا دو نکته را باید در نظر داشته باشیم؛ یکی اینکه روی «مصلحت» خیلی نباید بحث بکنیم که آیا تصویب این ماده، به مصلحت هست یا به مصلحت نیست. ممکن است مفاد مصوبه‌ای، ۱۰۰٪ فساد داشته باشد، ولی از نظر قانون اساسی مشکلی نداشته باشد. [در این موارد، ما نمی‌توانیم ایراد مغایرت با قانون اساسی به چنین مصوبه‌ای بگیریم؛ چون مصلحت‌اندیشی راجع به مصوبات، با مجلس شورای اسلامی است.]

آقای عزیزاده - درست است.

آقای جنتی - پس بنابراین ما واقعاً بین خود و خدا باید ببینیم تا چه مقدار به روشنی از قانون اساسی استفاده می‌شود که مطالبی که در این ماده واحده وجود دارد، با قانون اساسی معارض است. دوم اینکه این مطلبی که می‌خواهیم بگوئیم [و ایراد مغایرتی که می‌خواهیم اعلام کنیم]، باید قابل دفاع باشد؛ یعنی بالاخره این مصوبه به مجلس برمی‌گردد و نمایندگان مجلس که این را تصویب کرده‌اند، نظر شورای نگهبان را زیر ذره‌بین می‌گذارند و [به جوانب آن] دقت می‌کنند. لذا باید بتوانیم یک نظری بدهیم که هر کس از اعضای شورای نگهبان که به کمیسیون می‌رود، واقعاً بتواند آنجا از نظر شورا دفاع قابل قبولی داشته باشد. من از مجموع صحبت‌هایی که تا حالا شما درباره‌ی این ماده واحده داشتید، احتمال می‌دهم که از نظر «مصلحتی»، این مصوبه ضرر دارد، اما تا چه مقدار می‌توانیم مغایرت این مسئله را از اصول قانون اساسی استفاده بکنیم؟ یعنی بدون اینکه بخواهیم به قانون اساسی چیزی تحمیل کنیم، [مغایرت این مصوبه را با اصول قانون اساسی احراز کنیم].

آقای مدرسی‌یزدی - حالا وجوه مختلف این مصوبه را که در اینجا عرض کردیم؛ [از یک سو] به قول ایشان، این ماده واحده، ۳۰٪ سطح آموزش کشور را پایین می‌آورد [که این امر اشکال دارد]. [از سوی دیگر]، آن ۳۰٪ [دانشجویان ضعیف] هم که بعداً در مناطق محروم به‌کارگیری

می‌شوند [اشکال دارد]. [از جهت دیگر]، با این مصوبه، تفاوت بین دانشجویان پزشکی فوق‌العاده می‌شود؛ چون تفاوت سطح علمی آن کسانی که رتبه‌های مثلاً ۵۰، ۶۰، ۷۰ کنکور هستند با آنهایی که مثلاً رتبه ۳۰/۰۰۰ هستند، بین زمین تا آسمان است. [لذا مجلس باید] این میزان سهمیه ۳۰٪ را یک اصلاحی بکند؛ این تعهد سه برابر را هم اصلاح کند. البته اگر بخواهیم نسبت به مفهوم مناطق «بومی» و «مناطق محروم» ابهام بگیریم، [به نظر می‌رسد که ابهام موجهی نباشد؛ چون] قاعدتاً این دو اصطلاح، در قانونی دیگر باید تعریف شده باشد.

آقای رهپیک- بله، آنها تعریف شده است؛ سهمیه‌بندی مناطق محروم، سهمیه منطقه دو، سه و چهار، همه‌ی اینها مشخص است و سطح‌بندی‌اش در کنکور فرق می‌کند.

آقای ابراهیمیان- از این حیث که در این مصوبه، این سهمیه را به دانشجویان بومی، با قید «بومی» اختصاص داده، [و دانشجویان غیربومی علاقه‌مند به ارائه‌ی تعهد خدمت در مناطق محروم را از این سهمیه محروم کرده است]، اشکالی ندارد؟

آقای مدرسی‌یزدی- نه، چنین سهمیه‌ای را می‌توان برای افراد بومی در نظر گرفت [و آن را مصداق تبعیض ناروا ندانست]؛ چون در توجیهش می‌گویند چون این افراد، ساکن و اهل آن مناطق هستند، لذا از این جهت گفته‌ایم این دانشجویان بروند در این منطقه، ادامه تحصیل بدهند.

آقای رهپیک- در این مصوبه گفته که «اولویت» [واگذاری این سهمیه، با دانشجویان بومی مناطق محروم است؛ لذا از جذب دانشجویان دیگر مناطق که] منع نکرده است.

آقای عزیزاده- ما باید همان صحبتی که جناب آقای دکتر رهپیک فرمودند را به‌عنوان ایراد مطرح کنیم، هر چند این مصوبه، نهایتاً با اصلاح هم، درست‌شدنی نیست؛ چون قابلیت اصلاح اساسی را ندارد.

آقای ابراهیمیان- ایجاد امکانات عادلانه باید برای همه باشد.

آقای رهپیک- اسم این قانون، برقراری عدالت آموزشی است؛ یعنی می‌خواهد به مناطق محروم کمک کند، اما در واقع، [مفاد این مصوبه] خدمت به مناطق محروم نیست.

آقای عزیزاده- بله، این مصوبه، خدمت به مناطق محروم نیست و از آن طرف هم با این مصوبه، بین افراد باسواد و بی‌سواد هم عادلانه رفتار نمی‌شود.

آقای رهپیک- بله، آن هم مشکل دارد.

آقای علیزاده- چون این مصوبه به کسانی که از لحاظ علمی، حداقل‌های لازم را ندارند، می‌گوید تو بیا در دانشگاه تحصیل کن [به شرط اینکه بعداً بروی در مناطق محروم خدمت کنی]! آن فرد هم [به همین انگیزه و] با قبول این شرایط می‌آید و نهایتاً با این شرایط می‌خواهد برود طبیب بشود.

آقای شب‌زنده‌دار- [بعد از فارغ‌التحصیلی،] عملاً هم کسی [به مناطق محروم برای انجام تعهدش] نمی‌رود. الآن واقعاً آن مناطق بدون پزشک مانده است. در اقوام ما پزشکانی هستند که [با اینکه] بومی آن مناطق هستند، ولی حاضر نیستند [برای خدمت به آن مناطق] بروند و مشغول کارهای دیگری هستند.

آقای علیزاده- علتش این است که با اینکه ما این همه طبیب داریم، ولی اکثر آنها به کار طبابت نمی‌پردازند [و به شغل دیگری اشتغال دارند]. اگر آن ایرادی که جناب آقای دکتر ره‌پیک بیان کردند را قبول دارید، بفرمایید تا به‌عنوان ایراد بنویسیم.

آقای ره‌پیک- [به جای این مصوبه، نمایندگان مجلس] باید هزینه‌ی اجرای این مصوبه را برای ایجاد جاذبه‌ی خدمت در این مناطق [و راغب کردن افراد برای رفتن به این مناطق] صرف می‌کردند.

آقای علیزاده- [بله، باید برای رفتن پزشکان به مناطق محروم] جاذبه ایجاد کنند.

آقای ره‌پیک- از مناطق محروم، دانشجویی در دانشگاه پذیرفته شده و دانشجوی خوبی هم است، [اگر برای او جاذبه ایجاد کنند، بعد از تحصیل برای خدمت به همان مناطق برمی‌گردد].

آقای شب‌زنده‌دار- ایجاد جاذبه که فقط با پول نیست؛ [بسیاری از این پزشکان که حاضر نیستند به مناطق محروم بروند، به دلیل این است که] خانواده‌اش حاضر نیست آنجا برود؛ چون بچه‌های این پزشک می‌خواهند در این منطقه تحصیل کنند و مدارس که آنجاها هست از لحاظ کیفی به نحوی نیست که دلشان می‌خواهد. این مسئله را که دیگر نمی‌توان عوض کرد. اگر مدارس آن مناطق، عوض بشود و سطح مدارس بالا برود که خب مشکلات حل می‌شود.

آقای ابراهیمیان- بنابراین یعنی یک مجموعه‌ای از امور است که باید [در مناطق محروم] ارتقا یابد [تا انگیزه‌ی خدمت در مناطق محروم برای پزشکان فراهم شود]؛ لذا اگر تنها حقوق پزشکان را زیاد کنند، مشکل حل نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای رهیک - نه، فقط این نیست.

آقای شب زنده دار - و لذا خیلی از این پزشکان هم که خانواده های آنها حاضر نیستند به مناطق محروم بروند، [به خاطر کمبودهایی است که در این مناطق وجود دارد]؛ مثلاً چون اصلاً سطح [زندگی] آنها پایین است؛ سطح فرهنگی آنها پایین است و [بر همین اساس، نمایندگان مجلس] حالا مجبور شده اند [با تصویب این ماده واحده]، به این شکل یک مقداری از این مسائل را حل کنند.

آقای عزیزاده - به خدا الآن کسانی که پزشکی خوانده اند و بیکارند [و با این حال، حاضر نیستند به مناطق محروم برای طبابت بروند، به دلیل این است که] اگر بروند آنجا طبابت کنند، چیزی [= درآمد مناسبی] به اینها نمی دهند.

آقای ابراهیمیان - الآن دوباره بحث پزشکان خارجی و هندی و امثال اینها مطرح شده است که دوباره شاید مثل زمان قبل از انقلاب، لازم باشد برویم از هند و پاکستان و ... پزشک بیاوریم!

آقای شب زنده دار - چون پزشکان داخلی [به مناطق محروم] نمی روند.

آقای ابراهیمیان - اصلاً پزشکان داخلی به مناطق محروم نمی روند.

آقای رهیک - من خیلی از همین پزشک های فارغ التحصیل را می شناسم که اینها به وزارت بهداشت رفتند و اعلام کردند اگر امکانات اولیه را به ما بدهید، ما حاضریم به مناطق محروم برویم. اگر مسکن سازمانی یا مشابه چنین امکاناتی به ما بدهید، ما می رویم. اما متأسفانه به اینها امکانات نمی دهند! با اینکه اینها چیزهای خیلی زیادی هم نمی خواستند.

آقای شب زنده دار - بله، از آن طرف هم هست. درست است.

آقای رهیک - خب بله، یعنی الآن شما ببینید دانشگاه آزاد [در رشته ی پزشکی] فارغ التحصیل دارد، دانشگاه های دولتی هم [در رشته ی پزشکی] فارغ التحصیل دارند، لذا ما واقعاً مشکل کمبود فارغ التحصیل در این رشته نداریم، اما با این حال، بسیاری از اینها حاضر نیستند به مناطق بروند. البته، خیلی از اینها هم می بینند که خب بله، سوادش خوب است و لذا همین جا در شهرهای بزرگ مطب می زند و مشغول به کار می شود.

آقای عزیزاده- من دارم به شما می‌گویم، خدمت در مناطق محروم [حتی برای افراد] بومی با بیست و پنج سال تعهد قابل جمع نیست؛ یعنی هر کسی این ماده واحده را می‌بیند، تنش می‌لرزد. یک آدم عاقل، زیر بار این تعهد نمی‌رود. حالا هر جور صلاح می‌دانید، رأی بدهید.

آقای ابراهیمیان- البته شما مطمئن باشید که این طرح، اجرایی نمی‌شود.

آقای عزیزاده- این مصوبه، فقط وبال گردن مملکت است. ما الآن در مملکتمان، کم فارغ‌التحصیل نداریم؛ هر چه داریم بیکار هستند. باید به اینها کار بدهیم و امکانات کار را برای اینها فراهم کنیم.

آقای مدرسی‌یزدی- آیا واقعاً این امکانات عادلانه است که [در این مصوبه] در اختیار افراد گذاشته‌اند؟ این امکانات عادلانه است که بگوییم تو اگر خواستی بیا اینجا کارگر بشو، بعد که خودت پذیرفتی، ما بیمه‌ات نمی‌کنیم و امکانات دیگر هم به تو نمی‌دهیم! بعد هم بگوییم که خب این شخص خودش [این شرایط را] پذیرفته است؟!

آقای رهپیک- یعنی [بر اساس این مصوبه] این امتیاز [اختصاص سهمیه به دانشجویان بومی متعهد به خدمت در مناطق محروم] را داده‌ایم، ولی از آن طرف هم می‌گوییم خودش پذیرفته است که بیش از ۲۰ سال در این منطقه محروم خدمت کند!

آقای مدرسی‌یزدی- نه، چه امکاناتی؟ این، امکانات عادلانه نیست.

آقای شب‌زنده‌دار- او هم می‌تواند برود جاهای دیگر [و در رشته‌های دیگر] تحصیل کند، ولی نرفته است.

آقای مدرسی‌یزدی- معنای امکانات عادلانه این نیست؛ امکانات عادلانه این نیست که چنین دانشجویی [با سهمیه] بیاید [در رشته‌ی پزشکی] تحصیل بکند و سه‌برابر مدت تحصیلش را هم تعهد بدهد که در این منطقه خدمت کند. این، امکانات عادلانه نیست، ولی چنین شخصی از باب بیچارگی می‌آید.

آقای شب‌زنده‌دار- حالا به هر حال یک مشکلی است [که در کشور در زمینه‌ی کمبود پزشک در مناطق محروم وجود دارد و این مصوبه، می‌خواهد آن را برطرف کند]؛ لذا به متقاضیان می‌گویند تو می‌توانی [با سهمیه در رشته‌ی پزشکی تحصیل کنی و در ازای آن] تعهد بدهی که در مناطق محروم خدمت کنی.

آقای مدرسی‌یزدی- اصل این «امکان»، عادلانه نیست. این «امکان»، امکان غیر عادلانه است.

آقای ابراهیمیان- روا دانستن تبعیض عدم ایجاد امکانات عادلانه برای مردم مناطق محروم، ایراد دارد، نه برای داوطلبان مناطق محروم.

آقای علیزاده- من چون مفسده‌ی این مصوبه را می‌دانم، [به مغایرت آن با قانون اساسی] رأی می‌دهم.

آقای ابراهیمیان- بله، من هم نظرم این است که از این حیث اشکال دارد.

آقای شب‌زنده‌دار- دادن یک تعهد این‌چنینی، با این موضوع که «امکانات عادلانه باید برای همه باشد»، منافات ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی- نه، ما نمی‌گوییم که این مصوبه، از حیث تبعیض قائل شدن بین افراد ایراد دارد، بلکه می‌گوییم این مصوبه از حیث امکاناتی که برای افراد گذاشته‌اند، عادلانه نیست؛ یعنی آن کسی که می‌افتد در این وادی [و تعهد به خدمت در مناطق محروم به میزان سه برابر مدت تحصیلش می‌دهد]، تا یک جایی پیش می‌رود که دیگر بعد از آن، کاری نمی‌تواند بکند؛ ضمن اینکه به هر حال، از اول هم چاره‌ای ندارد [که چنین تعهدی بدهد]! قانون اساسی وقتی می‌گوید باید امکانات عادلانه برای همه ایجاد شود، یعنی اینکه نباید یک کاری کرد که شخصی ولو از روی ناچاری، خودش را وارد یک چنین وادی کند ...

آقای شب‌زنده‌دار- قانون اساسی چنین چیزی را نمی‌گوید. قانون اساسی می‌گوید برای همه امکانات عادلانه ایجاد کنید؛ خب در این مصوبه هم برای همه امکانات عادلانه ایجاد کرده‌اند [و تدبیری اندیشیده‌اند که در مناطق محروم هم پزشک وجود داشته باشد].

آقای مدرسی‌یزدی- در این مصوبه، امکانات ایجاد شده است، ولی امکانات عادلانه، ایجاد نشده است. من از قانون اساسی چنین چیزی می‌فهمم و از آن این جور برداشت می‌کنم.

آقای شب‌زنده‌دار- برای من روشن نیست که این مصوبه، خلاف قانون اساسی باشد.

آقای ره‌پیک- این شخص الآن که به دانشگاه می‌رود، حدوداً ۲۰ سالش است. ۷ یا ۸ سال درس می‌خواند [تا از رشته‌ی پزشکی فارغ‌التحصیل شود]. بعد از آن، سه برابر مدت تحصیل هم باید در منطقه‌ی محروم خدمت کند. [بنابراین مجموع سنوات تحصیل و انجام تعهد خدمتش] بیش از سی سال می‌شود. یعنی با این حساب، به یک چنین فردی، می‌خواهند بعد از سن ۵۰ سالگی‌اش، مدرک بدهند!

آقای مؤمن- خب خودش می‌خواسته است [و چنین شرایطی را پذیرفته است].

آقای رهپیک- خب بله، خودش می‌خواسته، اما برای اینکه بتواند در رشته‌ی پزشکی پذیرفته شود، مجبور بوده که چنین شرایطی را قبول کند.

آقای مدرسی‌یزدی- آن وقت جالب این است که ممکن است بعضی از این فارغ‌التحصیلان پزشکی که با هم ازدواج کرده‌اند، [بر سر همین موضوع تعهد خدمت در مناطق محروم]، اختلاف پیدا کنند و از یکدیگر جدا شوند.

آقای رهپیک- این مصوبه، [به این شکل و با این همه تعهد]، اصلاً سلب حقوق انسانی است.

آقای مدرسی‌یزدی- بنده واقعاً معتقدم اطلاق این مصوبه، سلب حقوق انسانی افراد است. حداقل [الزام به ایفای تعهد] نسبت به کسانی که بعداً به عللی محذور پیدا می‌کنند [و دیگر نمی‌توانند در مناطق مورد تعهد بمانند] را یک اشکال بگیرید. [اطلاق این مصوبه نسبت به] آنهایی که واقعاً دیگر نمی‌توانند در آن مناطق ادامه‌ی حیات بدهند را چه کار می‌کنید؟ فرض بکنید فردی در خوزستان [مشغول به تحصیل در رشته‌ی پزشکی بر اساس ضوابط این مصوبه] است، تعهد هم داده که سه‌برابر مدت تحصیلش در مناطق محروم خوزستان خدمت کند، حالا گرفتار بیماری آسم شده است و به دلیل این گرد و غبارهای آلوده‌ای که می‌آید و بیماری‌اش را تشدید می‌کند، دیگر نمی‌تواند در این مناطق بماند. [با اطلاقی که این مصوبه دارد] تکلیف این فرد چیست؟

آقای شب‌زنده‌دار- بله. حالا چنین فرضی، قابل قبول است [که بپذیریم افرادی با این شرایط، دیگر ملزم به اتمام مدت تعهدشان نیستند]. این درست است ولی به هیچ وجه، اطلاق این مصوبه، جابه‌جایی متعهدان را منع نکرده است.

آقای عزیزاده- به نظر من این ماده واحده مغایر بندهای (۹) و (۱۰) اصل ۳ قانون اساسی است. با این مصوبه، از فردا باید کسانی که از سطح علمی بالایی برخوردارند با کسانی که از لحاظ علمی، سطح پایینی دارند در یک‌جا تحصیل کنند. نتیجه‌اش این است که کلاس و کسانی که سطح بالاتری دارند، باید سطحشان پایین بیاید؛ چون دانشجویانی که از لحاظ علمی سطح پایینی دارند، نمی‌توانند خودشان را به سطح بالاتر برسانند.

آقای سوادکوهی- البته با توجه به آنچه که گفته شد، حقیقتاً اجرای این مصوبه، این نگرانی‌ها را دارد، اما شرایط خاصی هم که نمایندگان تحت تأثیر آن، این ماده واحده را به تصویب رسانده‌اند، مهم است. ظاهراً نمایندگان مجلس، این طور احراز کرده‌اند که در حال حاضر، [در مناطق محروم از لحاظ کمبود یا فقدان پزشک] شرایطی حاکم

است که حتی اگر اشخاصی با سطح پایین تحصیلات هم بیایند و تصدی امور طبابت را در این مناطق به عهده بگیرند، می‌ارزد.

آقای مدرسی‌یزدی- خب، [در این مناطق] پرستار بگذارند؛ چرا به اسم پزشک [می‌خواهند افراد کم‌سواد را به این مناطق] بفرستند؟

آقای سوادکوهی- نه، ببینید حالا ما واقعاً نمی‌دانیم بنا به چه شرایطی مجلس این ماده واحده را تصویب کرده است. شاید آنها شرایطی را دیده‌اند که با توجه به آن شرایط، این توزیع پزشک در مناطق مختلف، عادلانه صورت بگیرد؛ از این جهت که پزشک در محله‌هایی باشد که فعلاً کسی نمی‌رود. این انگیزه‌ی عدالت در توزیع امکانات با این مسئله توجیه می‌شود. من فکر می‌کنم نمایندگان مجلس این قسمت از مسئله را مدّ نظر داشته‌اند؛ مثل زمان جنگ [تحمیلی] که اشخاصی تجربی، کارهای پزشکی را یاد می‌گرفتند و کارهای درمان را [در مناطق مورد نیاز] انجام می‌دادند. آن زمان هم ضرورت داشت و [این افراد، امور پزشکی را] انجام می‌دادند. ولی حالا شما حساب بکنید، در شرایط فعلی، نمایندگان [با این مصوبه] می‌خواهند آن کسانی که مثلاً آن زمان در مسائل پزشکی، تجربی عمل می‌کردند، الآن تحصیلات [آکادمیک و دانشگاهی] را هم طی کنند و با تحصیلاتی که برای امر پزشکی حداقل ۷ سال طول می‌کشد، آمادگی نسبی برای خدمت در مناطق محروم و مورد نیاز را پیدا کنند. اما در مورد مسئله‌ی مدت زمان تعهد، که قانون‌گذار به میزان سه‌برابر مدت تحصیل بر دوش این دسته از پزشکان گذاشته است، به نظرم این مسئله از جمله مسائلی است که الآن ما نمی‌توانیم نسبت به سرانجام آن حدسی بزنیم. در واقع، ما نمی‌توانیم با قاطعیت بگوییم که اجرای این قانون موفق خواهد بود یا موفق نخواهد بود؟ اما به نظر من، اگر بخواهیم [مفاد این مصوبه] را از جهت مغایرت، به مفاد اصل ۳ قانون اساسی وصل کنیم، تا حدودی نمی‌شود؛ چون در این صورت، ما از روی ظن و گمان، یک امری را به ماده واحده نسبت داده‌ایم. چرا؟ چون طرف مقابلش، هم هست. توجیه طرف مقابل این اشکال، این است که در مناطق محروم پزشک نداریم و حتی بومی‌های محلی هم در این مناطق نمی‌مانند. پزشکان بومی هم ترجیح می‌دهند به دانشگاه‌هایی بروند که دانشگاه‌های مشهور داخلی یا خارجی هستند. بنابراین پزشک‌های بومی محلی هم چون در محل خودشان نمی‌مانند، ترجیحاً ما باید یک وضعیتی فراهم کنیم تا آنهايي که سطح علمی‌شان تا حدودی پایین است، گرایش پیدا کنند تا در دانشگاه‌های مناطق محروم تحصیل کنند و برای خدمت هم در همان محل‌ها بمانند. این یک جور بند کردن اشخاص در محل و استان خودشان است که این مشکلات در

آنجاها هست. البته از این طرف قضیه هم، مشکلات دیگری وجود دارد. من هر چه حساب می‌کنم می‌بینم این مصوبه، دو طرف دارد. یک طرفش هم همین مسائل بود که فرمودید و به آن اشاره کردید. واقعیتش این است که کاهش ۳۰٪ ظرفیت دانشگاه‌ها [در رشته‌ی پزشکی]، برای کسانی که دارای صلاحیت علمی هستند، محروم کردن این افراد از ادامه‌ی تحصیل است. این هم مسئله و مشکلی است که به نظر من، نمی‌شود به سادگی از آن گذشت. حالا این دو طرف مسئله را چگونه باید حل کنیم؟ به نظر من، این ایراد نمی‌تواند ایراد قانع‌کننده‌ای باشد که بگوییم چون با این مصوبه، ۳۰٪ ورودی‌های رشته‌های پزشکی اشخاص کم‌سواد و کم‌اطلاعاتی خواهند شد، [لذا این مصوبه، مغایر با قانون اساسی است]. در نهایت، نظر من این است که این مصوبه را با همین وضعیت تأیید کنیم تا ببینیم نمایندگان مجلس در آینده، نسبت به این موضوع [و احیاناً اصلاح آن] چه تصمیمی می‌گیرند.

آقای جنتی- آقای عزیزاده، راجع به این ماده واحده به اندازه‌ی کافی صحبت شد، رأی بگیرید.

آقای مدرسی‌یزدی- بالاخره آن موضوع نقل و انتقالات [که در تبصره (۵)^(۱) آمده است] چه شد؟ آن را هم هیچ کسی مغایر با قانون اساسی نمی‌داند؟ خب اگر کسی آن را مغایر با قانون اساسی نمی‌داند، بگذریم.

آقای شب‌زنده‌دار- اگر [حکم مقرر در تبصره (۵) نسبت به] جابه‌جایی، مطلق باشد، اشکال دارد؛ مگر اینکه یک قانون دیگری داشته باشیم که این را جبران کند [و در شرایط خاص و ضروری، اجازه‌ی نقل و انتقال پزشکان متعهد به خدمت در یک منطقه‌ی محروم را به مناطق دیگر بدهد]. چون کسانی که معذور می‌شوند، [با اطلاق این مصوبه] مشکل پیدا می‌کنند.

آقای عزیزاده- این مصوبه، به صورت دو فوریتی در مجلس تصویب شده است؛ باید هر چه زودتر نظر خود را نسبت به آن، به مجلس اعلام کنیم.

آقای شب‌زنده‌دار- نسبت به این موضوع، می‌توانیم ایراد گرفت؛ یعنی بگوییم که چون در این مصوبه، هیچ تبصره و استثنایی گذاشته نشده که اگر کسی متعهد به خدمت در منطقه‌ای شد و برایش در اثنای انجام تعهد، بیماری یا مشکل دیگری پیش آمد که دیگر امکان انجام تعهد در آن محل نبود، بتواند محل خدمت خودش را تغییر دهد. خب ممکن است عده‌ای از این پزشکان، بعد از چند سال یک سری مشکلاتی پیدا کنند و واقعاً از خدمت در آن منطقه معذور بشوند.

۱. تبصره ۵- نقل و انتقال مضمولان این بند، تابع مقررات این قانون می‌باشد.

آقای مدرسی یزدی - بله، یعنی [در نظر گرفته نشدن شرایط استثنایی و اضطراری برای متعهدان به خدمت در مناطق محروم، موجب می شود که] این اشخاص، بعد از اینکه این همه مدت در رشته ی پزشکی درس خوانده و فارغ التحصیل شده اند، [به دلیل عدم امکان تغییر محل خدمتشان] دچار مشکلات جسمی شوند، به طوری که دیگر قادر به کار کردن نباشند؛ لذا برای اینکه چنین اشخاصی بتوانند در این شرایط، محل خدمتشان را تغییر دهند، باید یک راه قانونی وجود داشته باشد.

آقای سوادکوهی - اصلاً چرا دولت با این مصوبه، مخالفت نکرده است؟! این هم یک مسئله است که چرا دولت با با کلیات این طرح، اعلام موافق کرد و نسبت به شقوقش هم مخالفت اساسی نکرد؟!

آقای مدرسی یزدی - این مصوبه باید حداقل یک استثنائاتی داشته باشد که [افراد متعهد به خدمت در مناطق محروم، با وجود برخی شرایط] بتوانند در خود این مناطق محروم جابه جا بشوند. واقعاً این درست نیست که پزشکی حداقل ۲۱ سال در مناطق محروم بماند و در هیچ شرایطی هم نتواند جابه جا شود! این شخص، اسیر یا تبعیدی که نیست؛ باید امکان جابه جایی او فراهم باشد.

آقای رهپیک - خب مقدمات طرح این ماده واحده، باید یک سری آمار و ارقام [از وضعیت پزشکان شاغل در مناطق محروم، کمبودهای جاری، میزان پزشکان فارغ التحصیلان شده ی بیکار و...] باشد. الآن ما داریم پول هزینه می کنیم، دانشجویهای پزشکی را در دانشگاه های دولتی تربیت می کنیم، بعد می گوییم دو تا سه برابر تعداد مورد نیاز در کشور هم پزشک فارغ التحصیل داریم، ولی با این حال، کسی برای طبابت به منطقه محروم نمی رود! حالا بیایم یک قانون این چنینی تصویب کنیم که با اختصاص سهمیه، همه چیز را خراب کنیم؟!

آقای مدرسی یزدی - ظاهراً این ماده واحده، رأی لازم برای ایراد مغایرت با قانون اساسی ندارد.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۹۲۰ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۴: «عطف به نامه شماره ۳۶۷/۴۲۳۰۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۳، طرح دوفوریتی اصلاح بند (۳) ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره های تحصیلات تکمیلی و تخصصی، مصوب جلسه مورخ دهم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی، در شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض
بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سبانه‌ای است.
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir